



قطب راوندی و شرح نهج البلاغه (منهاج البراعه)

دکتر محسن قاسم پور

چکیده

قطب راوندی، عالم، فقیه، مفسر و محدث قرن ششم هجری است. تألیفات او نسبتاً فراوان است. فقه القرآن، قصص الانبیاء و شرح نهج البلاغه موسوم به منهاج البراعه، که از قدیمی ترین شرحها است، برخی از آثار این دانشمند است. موضوع این مقاله بررسی روش قطب راوندی در شرح نهج البلاغه است. جنبه های ادبی، لغوی و کلامی، اساس شرح قطب است که نگارنده به آن پرداخته. بر خلاف تصور ابن ابی الحدید این شرح، اولین شرح نهج البلاغه نیست و احتمالاً ابن ابی الحدید، ابوالرضا راوندی را با قطب راوندی اشتباه کرده است.

واژه گان کلیدی: قطب راوندی، نهج البلاغه، منهاج البراعه، روش شناسی

* استادیار گروه الهیات دانشگاه کاشان

قطب راوندی
و شرح
نهج البلاغه...

۱۰۳

◀ مقدمه:

نهج البلاغه پس از قرآن کریم و احادیث نبوی مهمترین دایرة المعارف فرهنگ اسلامی است. از نظر عالمان شیعه، این کتاب به لحاظ اهمیت علمی، ادبی و تاریخی آن - بعد از قرآن - برترین کتاب است. درباره سخنان اولین پیشوای شیعه گفته اند: «کلامه (ع) دون کلام الخالق و فوق کلام المخلوق»؛ این عبارت بیانگر بهره گیری سخنان مولا از آبشخور وحی و بیانات نبوی است. ادیبان و سخن شناسان مشهور بشری نیز استواری، ژرفا و بلندی سخنان خود را با آن سنجیده و آن را معیار فصاحت و شیوایی سخن قرار داده اند.

برخی نهج البلاغه را در عداد کتب اخبار و احادیث و بعضی به خاطر اشتغال آن بر مواعظ و حکم، در ردیف کتابهای اخلاق و برخی در بخش کتب حکمت و کلام و گروهی نیز آن را در قسمت کتب ادب و بلاغت قرار داده اند که این همه، حکایت از جامعیت و فراگیری این کتاب دارد. فصاحت و بلاغت کلام علوی در جنب مفاهیم بلند و عمق مضامین آن، رمز جاودانگی این کتاب بی نظیر است. این مجموعه عظیم به گفته شیخ آقابزرگ تهرانی (الذریعه، ج ۱۴، ص ۱۱۱) سرشار از سخنان حکمت آمیز و گنجینه های یاقوت سخن است، مواعظ آن دلها را مجذوب خود می کند و عمل به کلمات حکمت آمیز آن، ضامن پیروزی دنیا و آخرت آدمیان است.

یکی از متفکران و ادیبان بزرگ شیعه به نام سیدرضی (متوفی ۴۰۶) شش سال قبل از وفات، منتخبی از خطب، مکاتیب (نامه ها) و کلمات حضرت را فراهم آورد و آن را نهج البلاغه (روشن، رسا و بجا سخن گفتن) نام نهاد. عده ای از عالمان اهل تسنن در صحت انتساب این مجموعه به امام علی - که به همت آن عالم و ادیب شیعی قرن پنجم سامان یافت - ابراز تردید کرده اند که در پاسخ آن آثاری چون استناد یا مصادر نهج البلاغه نوشته شده است. (ر.ک: مصادر نهج البلاغه و اسانیده، استناد نهج البلاغه، مصادر نهج البلاغه اثر هبه الدین شهرستانی و...) ابن خلکان (متوفی ۶۸۱) اولین کسی است که این تردید را روا داشته است. (وفیات الاعیان، ج ۳، ص ۳۱۳ و ج ۴، ص ۴۱۴) بعد از او نویسندگان دیگری از او تبعیت و این ادعای بی اصل و بنیاد را تکرار کرده اند. برخی از این نویسندگان عبارتند از: ذهبی در میزان الاعتدال (ج ۳، ص ۱۲۴)، صلاح الدین صفدی در الوافی بالوفیات (ج ۲۱، ص ۷)، یافعی در مرآت الجنان (ج ۳، ص ۵۵)، ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان (ج ۴، ص ۲۵۶)،

ابن عماد حنبلی در شذرات الذهب، (ج ۳، ص ۲۵۷) در میان معاصرین نیز احمد امین مصری (فجر الاسلام؛ ص ۱۴۸ و ۱۴۹)؛ زرکلی (الاعلام، ج ۴، ص ۲۷۸) و بروکلیمان (تاریخ الادب العربی، ج ۲، ص ۶۴) از ابن خلکان پیروی کردند. پژوهندگان عرصه نهج البلاغه با کوششهایی عالمانه و سترگ صحت انتساب این کتاب را به امام علی و جمع آوری آن را به سیدرضی و نادرست بودن ادعای کسانی چون ابن خلکان را به اثبات رسانده و مصادر آن را نیز استخراج کردند. (ر. ک: دانشنامه امام علی، ج ۱۲، ص ۱۵-۲۷)

باری، در پی اقدام خطیر سیدرضی (ره)، این مجموعه کم نظیر در طول سده ها همواره توجه و نظر متفکران و ادیبان و عالمان مختلف را به خود معطوف داشته است. این مقاله بر آن است که یکی از این شرحهای مهم و قدیمی یعنی شرح منهاج البراعه قطب راوندی را تحلیل و بررسی کند. اما قبل از یادکرد زندگی قطب الدین راوندی و تعیین ویژگیهای شرح نهج البلاغه او، بایسته است، دو مطلب به اختصار بیان شود: یکم مروری گذرا بر شرحهای مهم نهج البلاغه، دوم بحثی کوتاه در اولین شرح نهج البلاغه به این دلیل که برخی عالمان شرح قطب راوندی را اولین شرح دانسته اند. (بنگرید به ادامه مقاله)

◀ شرحهای مهم نهج البلاغه

برخی محققان، مقالات و رساله های مستقلی را صرفاً به «جمع آوری عناوین شروح نهج البلاغه» اختصاص داده اند، محدث نوری در خاتمه مستدرک الوسائل - یکی از جوامع متأخر حدیثی شیعه - ۲۶ شرح، اعیان الشیعه ۳۱ شرح، (ج ۸، ص ۲۴۵) ابن یوسف شیرازی در فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار ۶۶ شرح (فهرست، ج ۲، ص ۱۲۴-۱۳۹) و شیخ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۸ شرح از شروح نهج البلاغه را بازشناسی کرده اند. (الذریعه، ج ۱۴، ص ۱۱۱-۱۶۱)

با مروری بر این فهرستها می توان از ۱۰ شرح مهم به قرار ذیل یاد کرد:
 ۱. شرح ابوالرضا، ضیاء الدین سید فضل الله راوندی که معاصر سمعانی

- مؤلف الانساب بوده است و ابن عثاقی از دانشمندان شیعه در قرن هشتم به تصریح خود مطالبی را از آن کتاب گرفته است؛ (نهج البلاغه چیست، ص ۱۳)
۲. شرح امام وبری که نام کامل او احمد بن محمد الوبری خوارزمی است و معاصر بیهقی، دیگر شارح نهج البلاغه، بوده است؛
۳. شرح بیهقی ظهیرالدین علی میثم بحرانی از عالمان سده هفتم که شامل سه شرح کبیر، متوسط و صغیر است؛
۴. شرح قطب الدین راوندی، معروف به شرح منهاج البراعه؛
۵. شرح قطب الدین کیدری به نام حدائق الحقائق فی فسر دقائق احسن الخلائق؛
۶. شرح ابن ابی الحدید (متوفی ۶۵۵) که مشهورترین و مفصل ترین شرح نهج البلاغه است؛
۷. شرح ابن میثم بحرانی از عالمان سده هفتم که شامل سه شرح کبیر، متوسط و صغیر است؛
۸. شرح امام فخر رازی که قفطی به آن اشاره کرده است؛ (تاریخ الحكماء، ص ۱۹۲)
۹. شرح علامه حلی (متوفی ۷۲۶)، (شرح نهج البلاغه قطب راوندی، تحقیق عزیزالله عطاردی، ص ۱۴)
۱۰. شرح یحیی بن حمزه علوی (۷۴۹) بنام الایباج المضیء؛
- و ...

شرحهای نهج البلاغه به زبان فارسی نیز قابل توجه است که از آن میان می توان به شرح تنبیه الغافلین و تذکره العارفين از ملا فتح الله کاشانی، شرح نهج البلاغه حکیم صوفی از تألیفات قرن یازدهم، شرح نهج البلاغه میرزا محمدعلی چهاردهی گیلانی، شرح نهج البلاغه یا دایره المعارف علوی میرزا خلیل کمره ای، شرح نهج البلاغه زیر نظر ناصر مکارم شیرازی و تفسیر نهج البلاغه محمدتقی جعفری در ۲۷ جلد اشاره کرد.

◀ اولین شارح نهج البلاغه

در اینکه اولین شارح نهج البلاغه چه کسی است، در بین اهل تحقیق اختلاف نظر وجود دارد. بر اساس یک نظر، علی بن ناصر سرخسی مؤلف اعلام نهج البلاغه که معاصر شریف رضی است، اولین شرح را نوشته است. (کشف الحجب، ص ۵۳- الذریعه، ج ۲، ص ۲۴۰ و ج ۱۴، ص ۱۳۹- الغدیر، ج ۴، ص ۱۸۶) برخی دیگر شریف مرتضی - شارح خطبه شفشقیه - را اولین شارح دانسته اند (الذریعه؛ ج ۱۴، ص ۱۳۹) و بعضی دیگر، سیدرضی



را که به شرح لغوی بعضی جملات در خلال خطبه‌ها پرداخته است. (مقدمه شرح نهج البلاغه بیهقی؛ ص ۴۸) فرید خراسان یعنی ظهیرالدین علی بن زید بیهقی - مؤلف معارج نهج البلاغه - چنان که خود در مقدمه گفته اولین شارح است، اما به گفته ابن ابی الحدید، قطب راوندی اولین شرح را بر نهج البلاغه نگاشته است. (ر. ک: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، مقدمه) محققان این قول را نپذیرفته و نظر دیگری دارند.

◀ نظر دقیق در مورد اولین شارح نهج البلاغه

استاد فقید سید عبدالعزیز طباطبایی، کتاب شناس معروف معاصر، بر آن است که قدیمی ترین شرح و شاید اولین آنها، متعلق به سید فضل الله راوندی است، نه قطب الدین راوندی و بر قطب راوندی کسانی چون ابوالرضا فضل الله راوندی، امام وبری خوارزمی و ظهیر الدین بیهقی سبقت داشته‌اند. (تراثنا، شماره ۳۵-۳۶، ص ۱۵۴-۱۶۰)

◀ قطب الدین راوندی

قطب الدین راوندی، از محدثان، فقیهان و مفسران قرن ششم هجری است، تراجم نگاران او را از راوند کاشان می‌دانند. به گفته یاقوت حموی، راوند که زادگاه قطب الدین است، قریه‌ای بوده نزدیک کاشان (معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۹) و انتساب او به راوند ظاهراً مورد تأیید کسان زیادی از جمله شیخ بهایی است. (ریاض العلماء؛ ج ۲، ص ۴۲۰)

بر اساس برخی گزارشهای کتب تاریخی، راوند قبل از حمله مغول شهری معمور بوده و از آغاز تاریخ اسلامی تا سده‌های ششم و هفتم هجری یکی از مراکز مهم فرهنگ و دانش ایران به حساب می‌آمد. (تاریخی اجتماعی کاشان، ص ۵۱) و نیز ر. ک: راحة الصدور، ص ۵۲)

باری در چنین دیاری قطب راوندی و جمع دیگری از عالمان بزرگ برخاسته‌اند، به گونه‌ای که شیخ آقا بزرگ طهرانی بیش از ده نفر از عالمان راوند را فقط در قرن ششم نام برده است. (طبقات اعلام الشیعه، ص ۱۰۳)

«نجم‌الدین راوندی»، مؤلف کتاب راحة الصدور، «ضیاء‌الدین راوندی» که پیش از این از آن نام بردیم، «تاج‌الدین راوندی» مدرس مدرسه اتابکی همدان، «بهاء‌الدین ابوالعلاء راوندی»، از عالمان بزرگ اهل سنت، نمونه‌های عالمان این خطه‌اند. (نیز ر.ک: راحة الصدور، همان) قطب‌الدین ابی‌الحسین، سعید بن عبدالله بن الحسین بن هبه‌الله راوندی که اختصاراً به او سعید بن هبه‌الله گفته‌اند، مشهور به قطب‌الدین راوندی است. مورخان نام او را سعید و کنیه‌اش را ابوالحسین یاد کرده‌اند. (امل‌الآمل، ج ۲، ص ۱۲۵-الکنی و الالقاب، ج ۳، ص ۷۲)

از زمان تولد و سوانح حیات قطب‌الدین اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما میرزا عبدالله افندی، پدر و جد او را از عالمان دانسته است. (ریاض العلماء، ج ۲، ص ۴۳۰)

در روضات الجنات و نیز الذریعه نام بیش از بیست تن از اساتید قطب‌راوندی آمده است که از آن میان می‌توان به فضل بن حسن طبرسی صاحب تفسیر گرانسنگ مجمع‌البیان، محمد بن حسن پدر خواجه نصیر طوسی، سید مرتضی بن الداعی رازی مؤلف کتاب مهم و تأثیرگذار تبصرة العوام و ابوجعفر محمد بن علی بن محسن حلبی که شاگرد شیخ طوسی بود، اشاره کرد. از میان شاگردان قطب‌راوندی نیز می‌توان از کسانی چون احمد بن علی طبرسی، شیخ فقیه عمادالدین علی بن سعید، شیخ ابوالفضل ظهیرالدین محمد و فرزند او علی بن سعید یاد کرد، (مقدمه شرح نهج‌البلاغه قطب‌راوندی، ص ۷۶-۷۷) حیات علمی او بسی پر برگ و بار بود.

حاجی خلیفه بیش از سی کتاب او را نام برده (کشف‌الظنون، ج ۵، ص ۳۹۲) که عناوین برخی از آنها عبارت است از: المعنی فی شرح النهایه در ده مجلد، خلاصه التفاسیر در ده مجلد، ضیاء‌الشهاب فی شرح الشهاب، تهافت الفلاسفه، الخرائج و الحرائج، فقه القرآن قصص الانبیاء، منهاج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه و ...



در نگاهی اجمالی به عناوین این آثار می توان دریافت که او محدث، فقیه، مفسر، متکلم و ادیبی ژرف نگر بوده و در همه این شاخه های علمی از خود آثاری به یادگار گذاشته است.

◀ منهج البراعه در یک نگاه اجمالی

منهج البراعه، شرح نهج البلاغه اوست؛ این شرح همه نهج البلاغه را در بر می گیرد. قطب راوندی در آغاز شرح خود گفته است: «پیش از اینکه به شرح کامل خطبه های امام علی بپردازم، خطبه اول نهج البلاغه را به تفصیل شرح کردم، اما وقتی با الفاظ دشوار (که احتیاج به شرح و تفسیر داشت) و معانی عمیق و شگفت آور کلام مولا مواجه شدم، عزم خود را بر شرح تمام این کتاب جزم کردم و برای پیمودن درست این راه، از خداوند یاری جستم.» (مقدمه شرح منهج البراعه، جلد اول، ص ۸۵)

او شرح خود را در اواخر شعبان ۵۵۶ به پایان رسانیده است. به گمان برخی محققان این سومین شرح نهج البلاغه است؛ (فهرست نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۵، ص ۱۱۱) نه اولین آنها چنان که ابن ابی الحدید می گفت.

شرح منهج البراعه قطب الدین راوندی پس از او، مورد توجه عالمان و دیگر شارحان قرار گرفته است؛ حتی یکی از شارحان یعنی «سید حبیب الله بن محمد هاشم هاشمی علوی خوئی» شرح خود را منهج البراعه نامید که ترجمه فارسی نهج البلاغه را نیز داراست. بیداست که فضل تقدم عنوان این شرح به قطب راوندی می رسد و میرزا حبیب خوئی نیز از این عنوان استفاده کرده و تأثیر پذیرفته است.

ابن ابی الحدید نیز در شرح خود فراوان از قطب و منهج البراعه یاد کرده است. این متکلم معتزلی عقیده دارد که تنها قطب راوندی قبل از او به شرح گفتارهای امیرالمؤمنین پرداخته است و او دومین نفر بعد از قطب است. چنان که گفته شد این نظریه، صحیح نیست و با قول اهل تحقیق توافقی ندارد. (ر.ک: نهج البلاغه عبر القرون، مجله تراثنا، شماره ۳۸-۳۹،

ص ۲۶۴-۲۶۴) همچنین قطب الدین کیدری نیشابوری در شرح خود از نظرات قطب راوندی بهره جسته است، چنان که علی بن ناصر سرخسی در اعلام نهج البلاغه. اما در این میان، ابن ابی الحدید بیشتر از بقیه به معارضه با نظرات قطب راوندی پرداخته است؛ نقدها و نقضهای ابن ابی الحدید در حوزه های گفتارهای ادبی، کلامی و انساب است. اگر این نقدها به دیده انصاف نگریسته شود، ممکن است آراء ابن ابی الحدید را بتوان در حوزه های نحوی، لغوی و بعضاً انساب پذیرفت، اما چون باورهای عقیدتی قطب راوندی با اندیشه های کلامی ابن ابی الحدید متفاوت است، نقدهای او در این حوزه منصفانه و پذیرفتنی به نظر نمی رسد. (مقدمه شرح نهج البلاغه منهاج البراعه، ص ۷۸) علامه شیخ یوسف بحرانی نیز به اعتراضات ابن ابی الحدید علیه قطب راوندی اشاره و تصریح کرده که ایرادهای او را در کتابی به نام سلاسل الحدید فی تفسیر ابن ابی الحدید پاسخ گفته است. (لؤلؤة البحرین، ص ۳۰۵)

◀ ویژگی های شرح نهج البلاغه قطب راوندی

نگاهی گذرا به آثار قطب راوندی نشان می دهد، وی تنها در میدان فقهات یا حدیث گام نزده و افزون بر آنها احاطه او بر ادب عربی، آگاهیهای وی بر تاریخ، سیره و قصص انبیاء نیز از جمله ویژگیهای علمی اوست؛ از این رو شرح قطب بر نهج البلاغه، در طی سده های گونه گون مورد توجه علاقه مندان کلام مولا علی (ع) بوده است. منهاج البراعه قطب راوندی از حیث بازشناسی و بازیابی زیباییهای ادبی نهج البلاغه اهمیت خاصی دارد. می توان گفت اقدام در خور توجه قطب در این حوزه، موجب تشویق ابن ابی الحدید در نگارش شرحی دیگر بر نهج البلاغه شده است، گو اینکه ابن ابی الحدید- چنانکه ذکر آن رفت- فراوان شرح قطب راوندی را مورد بی مهری یا اشکال قرار داده است و حتی به نظر او در پاره ای از موارد، «قطب» اقدام به شرح کلماتی از نهج البلاغه نموده که اساساً نیاز به شرح آن نبوده است. (شرح ابن الحدید، ج ۱، ص ۳۲) اینکه ابن الحدید تصریح کرده توجه به شرح قطب راوندی در موارد زیادی، تضييع وقت و عمر است، قطعاً از بی انصافی او حکایت می کند. (همانجا) در این مقام ذکر ۲ نکته ضروری می نماید: اولاً مبانی کلامی و اعتقادی ابن ابی الحدید و قطب راوندی از همدیگر متمایز است و این اختلاف در مبانی، در داوری ابن ابی الحدید نسبت به قطب بی تأثیر نیست؛ ثانیاً اینکه ابن ابی الحدید در شرح خود فراوان به شرح قطب استناد کرده- ولو با رویکرد نقادانه و انکارآمیز- اهمیت شرح

منهاج البراعه را بیان می‌دارد که نباید از آن غافل بود.
در عین حال، می‌توان ویژگیهای کلی و مهم شرح قطب الدین راوندی
را در محورهای ذیل خلاصه کرد:

الف. قطب الدین راوندی با استناد به آیات قرآن در شرح و تفسیر کلام
علی (ع) کوشیده است. برخی نمونه‌های آن چنین است:

استشهاد به آیه «فاذا بلغن اجلهن فامسکوهن» (طلاق: ۲) در توضیح
واژه بلوغ که در عبارت «الذی لا یبلغ مدحتہ القائلون» مولا آمده است.

استشهاد به آیه «ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها» (ابراهیم: ۲۴) در توضیح
عبارت «لا یحصی نعماء العادون» امام (ع)؛ در خطبه ۸۰ نهج البلاغه، امام
علی (ع) در مورد شیطان به انسان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «شیطان آرام
آرام دوستان خود را فریب داده راه رستگاری را به روی در بند شدگانش
می‌بندد و در قیامت آنچه را که زینت داده انکار می‌کند.» قطب در شرح این
جمله آیه ۱۲ سوره حشر را مفسر این کلام علوی می‌داند. امام علی (ع) در
جایی در نهج البلاغه اطاعت از بزرگان و سران و آنان که به اصل و حسب
خود می‌بالند را نفی کرده و اهل ایمان را از آن بر حذر داشته‌اند. قطب
راوندی این عبارت را با استناد به آیه ۶۷ سوره احزاب (گویند پرودگارا ما از
پیشوایان و بزرگترانمان اطاعت کردیم، آنگاه ما را به گمراهی کشاندند)
تفسیر کرده است.

امام علی (ع) در خطبه «قاصعه» اوضاع مردم پس از هجرت را چونان
اعراب بادیه نشین قبل از اسلام دانسته که پس از وحدت و برادری به
احزاب گوناگون تبدیل شده‌اند. قطب تفسیر این عبارت را همان مضمون
آیه ۶۳ سوره انفال می‌داند. (و بین دل‌های ایشان الفت داد که اگر هر آنچه در
روی زمین است، خرج می‌کردی بین دل‌های ایشان الفت نمی‌افکندی ولی
خداوند میان آنان الفت برقرار کرد...) موارد دیگری از این دست را می‌توان
به عنوان شاهد آورد. (ر.ک: ج ۱، ص ۱۴۹ و ج ۲، ص ۵۰۸، ۹۸۸)

ب. نویسنده منهاج البراعه از روایات نبوی یا دیگر معصومین (ع) نیز در
شرح و بسط کلمات و عبارات نهج البلاغه استفاده کرده است. گاهی روایات

استفاده شده بدون اسناد دقیق و با عنوان کلی «جاء فی الاخبار» و یا عباراتی از قبیل «الخبر المروی» آمده است (منهاج البراعه، ج ۱، ص ۳۱۷ و ۳۳۷-ج ۲، ص ۸۶۶) و سلسله سند غالب روایات نیز که به معصوم منتهی می شود، معلوم نیست. از این لحاظ روایات به صورت مرسل، مرفوع و یا... آمده است. (برای نمونه بنگرید به ج ۲، همان، ص ۵۵۰) اما با این حال در موارد کمی نیز اسناد روایات دقیق و متصل است. (همان، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۷، ۱۵۶ و ص ۱۶۳) از رهگذر چنین روایات نادری می توان دریافت که قطب راوندی چندان در بند اسناد روایات نبوده و از کسانی که براساس نظر رجالیان، مؤثق هم نبوده اند- مانند علی بن محمد بن سیار کوفی- روایت آورده است. (همان، ج ۱، ص ۲۰۴) مشایخ حدیثی شیعه نظیر شیخ صدوق و شیخ طوسی و یا کسانی چون شیخ مفید از گروه محدثانی اند که طرق روایی شان مورد استناد و استفاده قطب راوندی بوده است. (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۹۷۴) ج: وجه برترین یا مهم تفسیر نهج البلاغه قطب راوندی، جنبه لغوی و ادبی آن است. همه بخشها و یا همه واژه های نهج البلاغه شرح و بسط داده نشده، اما آنچه که در حد همین شرح و بسطها، اهتمام خاص قطب را به خود معطوف ساخته، تبیین دقیق معنای لغوی واژه هاست؛ در همین راستا او کوشیده و جوه و امتیازات الفاظ نهج البلاغه را نسبت به دیگر واژه های مترادف مشخص و یا جنبه های بلاغی آن را تحلیل کند.

ذکر تفاوت بین «عادون» و «حاسبون» و یا وصف «همت» به «بُعد» و «فطنه» به «غوص» (که نوعی مجاز و در حوزه علوم بلاغی است) در عبارت «لا یدرکه بعد الهمم و لا یناله غوص الفطن» نمونه های قابل ذکر است. (همان، ج ۱، ص ۱۰۸ و ۱۰۴)

قطب راوندی در این بخش از شرح خود، برای شرح واژه هایی چون ابدال، عزیز و ... به نظرات لغت شناسان بزرگی چون ابن درید، (همان، ج ۱، ص ۹۷) فراء، (ج ۱، ص ۱۳۹) سیبویه، (همان، ج ۱، ص ۴۳۴) ابن سکیت (همان، ج ۲، ص ۹۳۶) و مُبرّد (همان، ج ۲، ص ۷۹۱) استناد کرده است.

د: قطب راوندی در شرح خود به بحثهای کلامی نیز پرداخته است. در منهاج البراعه مؤلف عمدتاً با تکیه به روایات و مشخصاً گفته های امام علی، از کلام شیعه دفاع کرده است. در جایی متعرض نظرات مشبّه- کسانی که تصویری انسان پندارانه از خدا دارند- شده و آنها را مردود اعلام کرده است. (همان، ج ۱، ص ۱۰۷ و ۱۲۵)

قطب در انکار تفکر «تشبیه»، از مبانی کلامی شیعه استمداد جسته (همان، ج ۲، ص ۷۰۶)



و به گاه بحث و تفسیر این کلام مولا «الذی لیس لصفته حد محدود و لا نعت موجود و لا وقت معدود» مفهوم «زمان» را در نگاه کلامی آن بررسی کرده است. از نظر این شارح، «زمان» حادث یا در حکم حادث است. (همان، ج ۱، ص ۱۰۹) همان جا قطب تعبیری از «صفت الهی» و نسبت آن با «ذات او» دارد که تداعی کننده تعابیر متکلمان است. (همان، ج ۱، ص ۱۱۳) نمونه دیگر در تحلیل مفهوم «قدرت الهی» به چشم می خورد که نویسنده به دیدگاه اشاعره- مهمترین جریان کلام اهل تسنن- اشاره کرده و آن را نفی می کند. (همان، ج ۱، ص ۱۱۷) همان گونه که در موضعی دیگر رویکرد معتزلیان و حتی کسانی را از شیعیان چون ابی الحسین بصری که دنباله رو تفکر و مشرب اعتزال بودند مورد مناقشه قرار می دهد. (همان، ج ۱، ص ۱۲۳) در جایی با استناد به گفته امام متقین به مهدویت که یکی از مقولات مهم کلام شیعه است اشاره و عبارت «بقیه من بقایا حجتہ، خلیفه من خلائف انبیائہ» را به غیبت امام مهدی (ع) تفسیر کرده است. (همان، ج ۱، ص ۷۲۲ و ص ۵۹۵) شایان ذکر است قطب راوندی در خلال بحثهای کلامی از آراء کلامی متفکرانی چون سید مرتضی، نویسنده کتاب مهم الذریعه، یا شیخ مفید، نویسنده اوائل المقالات، بهره گرفته و آنها را ضمن گفتار خود آورده است. (همان، ج ۱، ص ۱۴۰-۲، ص ۷۰۶ و ۸۳۹)

ه: جنبه های نحوی عبارات نهج البلاغه نیز در نظر قطب اهمیت یافته است. تبیین او از «بُعد» و «غوص» در عبارت «الذی لا یدرکه بعد الهمم و لا یناله غوص الفطن» چنین است که این دو واژه معنای مصدری دارند و به جای معنای فاعلی نشسته، مانند عدل که به معنای عادل (اسم فاعل) است. (همان، ج ۱، ص ۱۰۷) درباره اینکه در تفسیر عبارت «فطر الخلائق بقدرته» «باء» چه «بائی» است، احتمالات گونه گونی را مطرح می کند و نهایتاً یک وجه را از میان وجوه مختلف می پذیرد. (همان، ج ۱، ص ۱۱۵) مثال دیگر عبارت «لا تکن للمسلمین کانفه دون اقصی بلادهم لیس بعدک مرجع» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳) می باشد، یعنی: «اگر برای جنگ با دشمن (روم) روانه شوی و شکست بخوری برای مسلمانان شهرهای

دور دست پناهی نماند». شارح وجوه مختلف «تاء» را در «لا تکن» بر شمرده؛ اینکه «تاء» تأیید است یا مخاطب. (منهاج البراعه، ج ۲، ص ۵۷۰) مثال دیگر تحلیل نحوی اوست به هنگام بحث از این عبارت مولا، در خطبه معروف غرا: «... أقعدَ فی حفرة نجياً لبهته السؤال» (... در قبر در حالی که «راز گوینده» باشد به خاطر بهت و حیرتی که او را از سؤال حاصل می شود...) او ابراز داشته: ««نجیاً» مصدری است که بر مفرد و جمع دلالت دارد و می تواند به معنای اسم مفعول نیز بیاید و لام در لبهته نیز متعلق به اقعده می باشد...» (همان، ج ۱، ص ۳۶۷)

◀ نتیجه گیری:

در مجموع به نظر نگارنده از آنجا که شرح منهاج البراعه در مقایسه با برخی شرحهای دیگر چون شرح ابن ابی الحدید گسترده نیست، لذا قطب راوندی همه ابعاد و جنبه های مهم نهج البلاغه را مورد توجه قرار نداده است. رویکرد اصلی مولف در این شرح متوجه جنبه های ادبی و شرح واژگان است. اما در این بخش نیز قطب گزیده گویی را محور قرار داده است. تأثیر اندیشه های کلامی شیعی در تفسیر کلام مولا در منهاج البراعه بازتاب یافته است. این شرح برای کسانی که حتی آن را مورد انتقاد قرار داده اند، الهام بخش و از این نظر می توان گفت در شرحهای بعدی تأثیر ایجاد کرده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

◀ منابع و مأخذ:

- ۱- استناد نهج البلاغه؛ امتیاز علی خان عرشی، ترجمه و تعلیق سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲
- ۲- الاعلام؛ خیرالدین زرکلی؛ بیروت: ۱۹۸۰ م
- ۳- اعیان الشیعه؛ محسن امین جبل عاملی؛ بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۳
- ۴- امل الأمل؛ محمد بن حر عاملی؛ بغداد: مکتبه الاندلس
- ۵- تاریخ اجتماعی کاشان؛ حسن نراقی؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵
- ۶- تاریخ الادب العربی؛ کارل بروکلمان، ترجمه از آلمانی به عربی عبدالحلیم نجار؛ قم، بی تا
- ۷- خاتمه مستدرک و سائل الشیعه؛ میرزا حسین نوری؛ قم: آل البیت، بی تا
- ۸- دانشنامه امام علی، زیر نظر علی اکبر رشاد؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران: ۱۳۸۰
- ۹- الذریعه الی تصانیف الشیعه؛ آقا بزرگ تهرانی؛ بیروت: دار الاضواء، بی تا

فصلنامه
 کاشان شناخت
 شماره اول
 بهار ۸۴

۱۱۴

- ۱۰- اراحة الصدور و آیه السرور راوندی؛ محمد بن علی بن سلیمان؛ چاپ اوقاف گیب؛ ۱۹۲۱م
- ۱۱- ریاض العلماء؛ میرزا عبدالله افندی؛ قم: خیام، ۱۴۰۱
- ۱۲- شدرت الذهب فی اخبار من ذهب، ابن عماد حنبلی، بیروت: ۱۹۷۹/۱۳۹۹م
- ۱۳- شرح نهج البلاغه؛ ابن ابی الحدید، تصحیح عبدالکریم فخری؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۷/۱۴۱۸م
- ۱۴- طبقات اعلام الشیعه؛ آقا بزرگ تهرانی؛ تهران: مؤسسه انتشارات چاپ، ۱۳۷۲
- ۱۵- فجر الاسلام؛ احمد امین مصری؛ مکتبه النهضة المصریه، بی تا
- ۱۶- فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار؛ ابن یوسف شیرازی؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۹۷۷م
- ۱۷- کشف الحجب و الاستار؛ اعجاز حسین کنتوری؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۹
- ۱۸- کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون؛ حاجی خلیفه؛ بیروت، ۱۴۰۲
- ۱۹- الکتبی و الالقاب؛ شیخ عباس محدث قمی؛ قم: انتشارات بیدار
- ۲۰- لسان المیزان؛ ابن حجر عسقلانی؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی، افسست هنر، ۱۴۰۶
- ۲۱- لؤلؤة البحرين؛ شیخ یوسف بحرانی، بی تا
- ۲۲- مرآة الجنان و عبرة القضاة؛ عبدالله بن اسعد یافعی، تحقیق خلیل منصور؛ چاپ اول، بیروت
- ۲۳- مصادر نهج البلاغه و اسانیده؛ حسینی خطیب؛ بیروت: دارالزهراء، ۱۴۰۹ق
- ۲۴- معجم البلدان؛ یاقوت بن عبدالله حموی؛ چاپ لایبزیگ، ۱۸۶۶، چاپ افسست، تهران، ۱۹۶۵م
- ۲۵- میزان الاعتدال؛ محمد بن احمد ذهبی، تحقیق علی محمد بجاوی؛ قاهره: ۱۳۸۲ق
- ۲۶- نهج البلاغه چیست؛ ابن یوسف شیرازی؛ چاپ مجلس شورای ملی، ۱۳۵۷ق
- ۲۷- نهج البلاغه عبر القرون (در مجله تراثنا)؛ عبدالعزیز طباطبائی؛ (شماره ۳۷-۳۸-۳۹) قم: مؤسسه آل البیت
- ۲۸- الوافی بالوفیات؛ خلیل بن ابیک صفدی، ویسبادن، ۱۹۶۲
- ۲۹- وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان؛ ابن خلکان؛ چاپ احسان عباس، بیروت: ۱۹۶۸-۱۹۷۷ او چاپ افسست، قم، ۱۳۶۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی